

The concept of Resistance based on the theory of Single Principle (Asle Vahed)

Hossein Ghasemi*

Received: 2022/04/12

Alireza Mazaheri**

Accepted: 2022/12/18


Mohammad sadegh Nosratpanah***

The resistance theory is based on an understanding of the Quranic concepts of "resistance" and "persistence". Therefore, to redesign this Quranic theory, the concept of the word "resistance" will be one of the essential needs; Because the incomplete and wrong understanding of the principle of this concept will lead to the formation of wrong and ineffective ideas. The main question of the current research is, what does the Quranic concept of the word "resistance" mean? To answer this question, the method and theory of the single principle (Asle Vahed) of Allameh Mustafavi, which is used in the field of Quranic lexicology, has been used, and in a seven-step process, the semantic principle and comprehensive meaning of the Quranic root "q and m" have been extracted and presented in the form of The term "resistance" has been conceptualized. According to this method, the semantic principle of the word resistance is "continuous participation in the direction of proving the actuality of the object based on justice", which shows that the theory and discourse of resistance is an active and driving theory for the movement of the Islamic society, and the main direction and strategy of the society should be adjusted with it.

Keywords: Asl Vahed (Single Principle) method, Conceptualization, Endurance, Holy Qur'an, Resistance, Seyyed Hasan Mostafavi, Theory of the spirit of meaning.


* PhD student, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

hosseinghasemi3@gmail.com

 0000-0003-3758-9034

** PhD student, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

a.mazaheri@isu.ac.ir

 0000-0001-9000-2517

*** Assistant Professor of Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

nosratpanah@isu.ac.ir

 0000-0002-4324-705x

مفهوم‌شناسی مقاومت بر اساس نظریه اصل واحد^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

حسین قاسمی*

علیرضا مظاهری**

محمدصادق نصرت‌پناه***

چکیده

مقاومت نظریه‌ای اثرگذار در عرصه سیاست خارجی به‌شمار می‌آید که لازم است بر پایه فهم روشمند و صحیح از مبادی قرآنی، متناسب با نیازهای روز باظراحی و به‌روز شود. براین‌اساس مفهوم‌شناسی «مقاومت» یکی از نیازهای ضروری خواهد بود؛ چراکه فهم ناقص و یا اشتباه از این مفهوم، منجر به شکل‌گیری و کاربست نظریه‌های ناکارآمد خواهد شد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که معنای قرآنی واژه «مقاومت» چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، از نظریه اصل واحد علامه مصطفوی که در حوزه واژه‌شناسی قرآنی کاربرد دارد، استفاده‌شده و در فرایندی هفت مرحله‌ای، اصل معنایی و معنای جامع ریشه قرآنی «ق و م» استخراج‌شده و در قالب واژه «مقاومت» مفهوم‌شناسی شده است. طبق این نظریه، اصل معنایی واژه مقاومت، مشارکت مستمر در راستای ثبوت فعلیت شیء بر اساس عدالت است و این مفهوم‌شناسی نشان می‌دهد، مقاومت یک نظریه فعال و پیشران برای حرکت جامعه اسلامی است و باید راهبرد اصلی جامعه با آن تنظیم شود.

واژگان کلیدی: استقامت، روش اصل واحد، سید حسن مصطفوی، قرآن کریم، مفهوم‌شناسی، مقاومت، نظریه روح معنا.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری، آقای علیرضا مظاهری با عنوان «مبانی قرآنی مقاومت در اندیشه و عمل سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با راهنمایی آقای دکتر محمدصادق نصرت‌پناه است.

* دانشجوی دکتری دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hosseinghasemi3@gmail.com

0000-0003-3758-9034

** دانشجوی دکتری دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

a.mazaheri@isu.ac.ir

0000-0001-9000-2517

*** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

nosratpanah@isu.ac.ir

0000-0002-4324-705x

مقدمه

بیان مسئله: مقاومت اسلامی، نظریه و راهبرد بومی انقلاب اسلامی قلمداد می‌شود. مقاومت علاوه بر امتداد اجتماعی که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داخلی پیدا کرده، در عرصه بین‌الملل نیز کاربرد داشته است. با عنایت به حضور عینی مقاومت در متن تحولات سیاسی و اجتماعی، لازم است تا نسبت به شرایط محیطی واکنش نشان‌داده و در ارتباطی فعال با محیط، اصول اساسی و الگوی آن مرتباً بازبینی شده و مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتواند روزآمدی خود را حفظ کند. یکی از لوازم و پیش‌شرط‌های این بازبینی، فهم معنای قرآنی «مقاومت» است که مسئله پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

اهمیت: از آنجایی که فهم مفاهیم علوم انسانی و مرزبندی آنها با سایر مفاهیم، تأثیر اساسی بر شکل‌گیری نظریه‌ها و تعیین پیامدهای عملی آنها دارد؛ مفهوم‌شناسی در تولید نظریه‌های علمی اهمیت نظری دارد. بخصوص اگر این مفاهیم از بیانات دینی و منبعی چون قرآن کریم صادر شده باشد که در اوج دقت و اهمیت قرار می‌گیرد و صرف تبادل‌های ذهنی و عرفی از آنها راهگشا نیست. با این توضیح مشخص می‌شود که پژوهش حاضر افزون بر اهمیت نظری، دارای اهمیت راهبردی نیز است؛ چراکه برای طراحی راهبردهای اصیل دینی مقاومت راهگشا است.

ضرورت: اگر مفهوم‌شناسی به درستی صورت نگیرد، برداشت ما از مقاومت دچار نقصان خواهد شد و در نتیجه هم در حوزه گفت‌وگو سازی و هم در مقام طراحی سیاست‌های مقاومت، به انحراف خواهیم رفت. این امر به نوبه خود شکست و یا تضعیف راهبرد مقاومت را در پی خواهد داشت. با این تفسیر مشخص می‌شود که پژوهش حاضر دارای ضرورت نظری-کاربردی می‌باشد.

اهداف: زمینه‌سازی برای تدوین نظریه اسلامی مقاومت برپایه قرآن کریم، هدف اصلی این تحقیق است. در این راستا، ترویج رویکرد قرآنی در مطالعات علوم انسانی، و تبیین ظرفیت‌های علمی «اصل واحد» در حوزه تحلیل و نظریه پردازی، به عنوان دو هدف فرعی مدنظر می‌باشند.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش اکتشافی بوده و فرضیه آزما نیست. به همین خاطر

مبتنی بر نظام سؤال‌ها به شرح زیر است. سؤال اصلی این است که: مفهوم قرآنی «مقاومت» چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز متناسب با نظریه «اصل واحد» عبارت‌اند از: اصل معنایی ریشه «ق و م» به چه معنا در قرآن کریم استفاده شده است؟ اصل معنایی هیئت باب مفاعله چیست؟ و ابعاد معنایی مقاومت چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که پیرامون موضوع مقاله حاضر انجام شده در دو سطح دسته‌بندی می‌شود:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

در این نشریه چند پژوهش در راستای نظریه و گفتمان مقاومت انجام شده که دو عنوان از آنها، شباهت موضوعی بیشتری با پژوهش حاضر دارد. مهدی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی به استخراج مدل مفهومی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و تلاش کرده تا ابعاد نظریه مقاومت را تبیین کند. بیگی و ندافان (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی به مدل مفهومی مقاومت پرداخته‌اند. بررسی چستی مفهوم مقاومت، ابعاد، زمینه‌ها، پیامد و چشم‌انداز مقاومت و ارائه مدل مفهومی آن در اندیشه مقام معظم رهبری موضوع این مقاله است.

بررسی محتوایی آثار مورد اشاره حکایت از آن دارد که هدف این پژوهش‌ها، حرکت به سمت طراحی نظریه مقاومت با استفاده از ظرفیت شبکه مفاهیم مرتبط است؛ بنابراین اگر چه از نظر موضوعی با پژوهش حاضر شباهت دارند اما چون هیچ‌کدام به نظریه «اصل واحد» نپرداخته‌اند؛ از پژوهش حاضر متمایز هستند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع

عمده منابع موجود در بحث مقاومت را با توجه به موضوع مقاله حاضر می‌توان در دو دسته اصلی قرارداد:

الف. پژوهش‌هایی که به تبیین معنای مقاومت پرداخته‌اند. اگر چه محققان حوزه مقاومت در آثار خود به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند؛ اما نحوه ورود ایشان یکسان نبوده و می‌توان دو رویکرد را از هم تمییز داد. نخست، اکثریتی که به تعریف لغوی و یا اصطلاحی مقاومت بسنده نموده‌اند. این

تعاریف مبتنی بر کتاب‌های لغت و یا پژوهش‌های تخصصی پیشین است. برای مثال زاهدی تیر و امین ناجی (۱۳۹۸) از مقاومت در معنای اولیه «استقامت» در قرآن کریم سخن گفته‌اند. همو (۱۳۹۸) در پایان‌نامه‌اش، این رویکرد را توسعه داده و نسبت مفهوم مقاومت را با طیف وسیع‌تری از مفاهیم مرتبط قرآنی به بحث گذارده است. همچنین حمزه‌ای و همکارانش (۱۳۹۹) چون طراحی الگوی مقاومت را مدنظر داشته‌اند، فقط به بررسی تعاریف موجود بسنده نموده‌اند.

دوم، اندک مطالعاتی که به تحلیل نظام معنایی مقاومت با استفاده از رویکردهای زبان‌شناسانه و معناشناسانه همت گمارده‌اند. در این خصوص می‌توان به اثر افتخاری (۱۳۹۹، ۸۰-۹۶) اشاره داشت که در آن محقق با رویکردی سیستماتیک، نسبت به شناسایی، تحلیل و طراحی نظام معنایی مقاومت در متون موجود اقدام نموده و در نهایت دو نظام سلبی و ایجابی را سازمان داده است. در ادامه با رجوع به قرآن کریم، نظام معنایی مقاومت را پیشنهاد داده است که دربردارنده نه معنای لغوی (استقامت، تحمل، مخالفت، تعارض و جنگ، نپذیرفتن، ممانعت، خویشنداری، دفاع، و حفاظت) و دو معنای اصطلاحی (سلبی و ایجابی) بر پایه ایده اصلی «انصراف» است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، هدف اصلی دسته نخست، اصولاً مفهوم‌شناسی مقاومت نبوده و فقط به عنوان یک مقدمه به معنای آن پرداخته‌اند. در دسته دوم هم اگرچه ارایه تعریف به مثابه یک هدف مدنظر بوده اما برای این منظور از «اصل واحد» استفاده نشده است. بنابراین این دسته از تحقیقات از حیث رویکردی از پژوهش حاضر متمایزند.

ب. پژوهش‌هایی که به نظریه اصل واحد پرداخته‌اند. در این دست پژوهش‌ها، نظریه اصل واحد، اصل معنایی و روح معنا که نظریاتی همراستا تلقی می‌شوند، به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای مثال عباسی مقدم، سازجینی و موسوی (۱۳۹۸) به واکاوی نظریه اصل معنایی و اصل واحد پرداخته‌اند و ضمن آن به تحلیل برخی واژگان قرآنی به صورت موردی اقدام شده است. صالحی هفشجانی، فراستی‌نیک و امین ناجی (۱۳۹۶) به بررسی مبانی نظریه اصل واحد برگرفته از کتاب التحقیق علامه مصطفوی پرداخته‌اند. شیواپور (۱۳۹۰) ضمن بررسی نظریه روح معنا در تفسیر آیات متشابه به تبیین نظریه اصل واحد پرداخته است. در این خصوص باید به اثر مرحوم

علامه مصطفوی (۱۳۶۰) اشاره نمود که به بیان اصل معنایی ریشه «ق و م» در آیات قرآن کریم پرداخته‌اند، اما مسیر وصول به این اصل معنایی بیان‌نشده و همچنین واژه «مقاومت» مورد توجه ایشان نبوده است.

در مجموع هیچ‌کدام از پژوهش‌های ذکر شده به طور مستقل در پی مفهوم‌شناسی اصطلاح قرآنی «مقاومت» نبوده‌اند؛ بلکه دسته‌ای از آنها، به صورت ضمنی به مفهوم مقاومت پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر نیز تنها به تبیین اصل واحد یا کاربرد آن در مفهوم‌شناسی واژه‌های قرآن همت گمارده‌اند. بنابراین، وجه نوآوری این پژوهش توجه به مفهوم‌شناسی واژه «مقاومت» با ابتناء بر نظریه اصل واحد است.

۲. مبانی نظری: نظریه اصل واحد

نظریه «اصل واحد» تقریری لغوی از نظریه معرفتی «روح معنا» است که علامه حسن مصطفوی (۱۲۹۷) آن را ارائه کرده است.

الف. مبانی نظریه: طبق نظریه روح معنا، موضوع‌له حقیقی الفاظ، معنای حقیقی و روح معنای موجود در استعمالات مختلف الفاظ است که در ابتدا مورد اشاره واضع قرار گرفته است و لفظ حقیقتاً برای آن وضع شده است. بنابراین با تغییر مصادیق خارجی لفظ با گذشت زمان یا تغییر خصوصیات عارضی مصادیق مختلف، تغییری در معنای لفظ واقع نمی‌شود و لفظ کماکان به معنای حقیقی خود اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۱۳)، لذا با تجرید لفظ از خصوصیات عارضی مصادیق، می‌توان به روح معنا و حقیقت معنای لفظ، دسترسی پیدا کرد و آن را شناخت. بر اساس این نظریه، همه الفاظ قرآن کریم در معنای حقیقی استعمال شده‌اند و نباید ظاهر الفاظ قرآن را بر معنای مجازی ارجاع داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۳۲۰). نظریه روح معنا در ساحت دانش لغت‌شناسی و در امتداد آن، در قالب نظریه اصل واحد تقریر شده است (فرزانه و حیدری، ۱۳۹۷). طبق این تقریر لغوی، اشتقاقیات مختلف یک واژه نیز در ساحت لغت دارای یک اصل معنایی واحد هستند و با توجه به تکرر خصوصیات اشتقاقی، آن معنای واحد ثابت باقی مانده و تنها در قالب‌هایی جدید جلوه می‌کند. لذا می‌توان با تنزیه و تجرید معانی مختلف اشتقاقی یک واژه به اصل معنایی آن واژه رسیده و آن را در اشتقاقیات جدید و متفاوت جاری کرد.

ب. شرح نظریه: با توجه به مبانی و مقدمات بیان‌شده، ایشان قاعده اصل واحد و نظریه خود را به اختصار این‌گونه تعریف می‌کنند: «اصل واحد، معنای حقیقی و مفهوم اصیل است که از مبدأ اشتقاق أخذشده و در تمامی صیغ اشتقاق ساری و جاری است» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۱۱). بر اساس نظر ایشان، به‌کاربردن مشتقات یک لفظ در معانی متضاد و متغایر با اصل واحد صحیح نمی‌باشد و تغییر و تطور هیئات و اوزان لغات موجب اختلاف و مغایرت با اصل معنای حقیقی نمی‌شود. بلکه معنای هیئت به معنای حقیقی مضاف می‌شود. بازگرداندن تمامی مشتقات و فروع کلمه به معنای حقیقی اصیل لغات؛ اصل قطعی نظریه اصل واحد است (زاهدی تیر، ۱۳۹۸، صص. ۳۵-۵۵). در نتیجه با استفاده از نظریه اصل واحد، معنای اصیل و دقیق ریشه واژگان و سپس معنای این ریشه در قامت اشتقاق و هیئت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پ. کاربرد نظریه: علامه مصطفوی معتقدند که معانی همه کلمات قرآن کریم حقیقی است و نباید آنها را مجازی دانست. چراکه مجازگویی در قرآن مجید موجب اضلال افکار و تحیر مردم بوده و کتاب الهی را از اعتبار و قاطعیت ساقط می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۲). بر همین اساس، ایشان معتقدند که اشتراک لفظی به‌نحوی که همه معانی یک واژه در عرض یکدیگر واقع شده باشند و همه معنای حقیقی واژه محسوب شوند، در لغات عرب وجود ندارد و آنچه هست یا از قبیل مصادیق یک معنای حقیقی و یا معانی مجازی محسوب می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۵، ص. ۷۲). از نظر ایشان، مترادف حقیقی یعنی اینکه در لغت عرب خصوصاً در قرآن کریم دو لفظ که از جمیع جهات و خصوصیات باهم موافق و هم‌معنا باشند، موجود نیست و در تمامی موارد مترادف لغوی خصوصیت خاصی در معنا لحاظ‌شده که با آن خصوصیت می‌توان بین دو لفظ تمایز قائل شد. تفاوت لفظ و هیئت‌های متفاوت لغات، موجب ایجاد خصوصیت معنایی و تمایز در معنا میان لغات مختلف می‌شود. ایشان مطلب را تا جایی مطرح می‌کنند که حتی شاید بتوان ادعا کرد که دلالت الفاظ به معنای صرفاً اعتباری نبوده بلکه ذاتی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۱۳). بنابراین اشتراک لفظی در زبان عربی بخصوص در کلمات قرآنی بدین‌معنا که یک لفظ دلالت بر بیش از یک معنا به نحو حقیقت نه مجاز نماید، موجود نمی‌باشد؛ همچنین ایشان معتقد است، از آنجایی که استعمال الفاظ و لغات در قرآن، توسط

خدای حکیم صورت گرفته است، در انتخاب و استعمال الفاظ به خصوصیات خاص آن لغت و لطایف مخصوص آن توجه شده است، به طوری که نمی‌توان به جای کلمه، کلمه دیگری را به کار برد و اگر این کار صورت پذیرد، قطعاً خصوصیت ویژه آن کلمه نادیده گرفته شده است. پس تسامح در بیان معانی لغات قرآنی با رجوع اجمالی به لغت‌نامه‌ها باعث فوت معنا و دوری از اصل معنا می‌شود. خصوصاً اینکه کتب لغت به دنبال کشف معانی از طریق استعمال لفظ بوده و در بسیاری از موارد در مسیر استعمال الفاظ خصوصاً در اشعار به علت رعایت وزن و قافیه در معنای مجازی به کار رفته‌اند.

۳. روش پژوهش

با عنایت به اهمیت جایگاه روش در مطالعات علمی، در پژوهش حاضر تلاش شده تا روشی ابتکاری برای تحلیل به کار گرفته شود.

الف. معرفی روش: در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش «اسنادی» و برای تحلیل از روش «نظریه مبنا» استفاده شده است. نظریه منتخب پژوهشگران نظریه واژه‌شناسی «اصل واحد» است.

ب. کاربرست روش: با توجه به شیوه عملکرد علامه مصطفوی در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» (۱۳۶۰) مراحل زیر استنباط و به عنوان گام‌های کاربرست این روش، بازسازی شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، صص ۱۵-۶؛ مصطفوی، ۱۳۸۵):

گام اول. بررسی آثاری که معانی «حقیقی» و تمایز آن از «مجازی» را بررسی کرده‌اند.^۱ در این مرحله با مراجعه به کتاب‌هایی که به معانی حقیقی و تمایز آن از معانی مجازی توجه کرده‌اند، تلاش می‌شود احصاء اولیه‌ای از معنای ریشه واژه و مشتقات آن صورت گیرد.

گام دوم. مراجعه به معانی واژه در کتب معتبر لغت و بازشناسی معنایی که کاربرد آن غالب و شایع است؛ به منظور فهم مراد معنای زمان استعمال مطلق این واژه.

گام سوم. بررسی موارد کاربرد واژه و استخراج معنای جامع. بعد از مشاهده معانی شایع و اصلی اشتقاقیات واژه، لازم است معنای جامع استخراج شود. استخراج معنای جامع، اصلی‌ترین بخش این روش است و منظور از آن، معنایی است که در همه کاربردهای واژه حضور دارد و در هر کاربرد، بر اساس نوع اشتقاق معنای جدید و

خاصی به آن افزوده می‌شود. نکته‌ای که در این مرحله باید توجه داشت این است که معنای جامع و اصل معنایی لغت بنا بر موارد استعمال طی زمان، در قالب‌های مختلفی نمود می‌یابد و همین امر باعث شده تا در کتب لغت، این معانی متفاوت مطرح شوند. گام چهارم. تعیین ویژگی‌های مخصوص واژه و جداسازی آن از سایر واژه‌های ظاهراً مرادف و مشابه.

گام پنجم. مراجعه به موارد کاربرد واژه در قرآن کریم تا معنای جامع حقیقی (غیرمجازی) کشف شده و معنای مجازی باقی نماند. چنان که در مبانی بیان شد، الفاظ قرآنی در معانی حقیقی استعمال می‌شوند و هرگز مجازی نیستند. این مرحله در حقیقت، اعتبارسنجی نهایی و تدقیق اصل واحد معنایی است.

گام ششم. در این مرحله برای رسیدن به اشتقاقات واژه و معانی اختصاصی هر اشتقاق، به کتب ادبیات عرب متقدمین اعم از صرف، نحو و یا بیان مراجعه می‌شود؛ چراکه شناخت خصوصیات انواع اشتقاق و خصوصیات صیغه‌های ادبی و معنایی آنها برای درک معنای حقیقی راهگشاست.

گام هفتم. واژه‌هایی که از ریشه کلمه مشتق شده‌اند، با توجه به اصل معنایی و ملاحظات مرحله پنجم، معنایی می‌شوند. بنابراین همه معنای مجازی و استعمالی به معنای حقیقی بازمی‌گردد و وجه تناسب و ارتباط آن استعمال و اشتقاق با اصل معنایی تبیین می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، صص. ۱۵-۶ و مصطفوی، ۱۳۸۵).

۴. مفهوم‌شناسی «مقاومت»

با عنایت به روش بیان شده، نخست باید ریشه واژه مقاومت (ق و م) بررسی شود. برای این منظور در قالب مراحل اول تا پنجم، به کشف اصل معنایی این ریشه پرداخته شده است.

۴-۱. رجوع به کتب منتخب لغت

کتاب‌هایی که در اینجا به آنها رجوع شده، با توجه به نظر علامه مصطفوی انتخاب شده و با ترتیبی که ایشان فرموده‌اند، بررسی شده‌اند. برای اختصار نام این آثار به ترتیب رجوع و به همراه آدرس دقیق آنها در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۱): منابع مراجعه‌شده برای استخراج معانی مشتقات ریشه «ق و م»

ردیف	عنوان کتاب	صفحات مرتبط
۱	کتاب التهذیب (الازهری، ۱۴۲۱ق)	ج ۹، ص. ۲۶۸
۲	کتاب العین (فراهیدی، ۱۴۰۹ق)	صص. ۲۳۱ و ۲۳۲
۳	معجم مقاییس اللغه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق)	ج ۵، ص. ۳۴
۴	کتاب الجمهره (ابن درید، ۱۹۸۸م)	ج ۲، ص. ۹۷۸
۵	کتاب الاشتقاق	-
۶	کتاب صحاح اللغه (جوهری، ۱۳۷۶)	ج ۵، ص. ۲۰۱۶
۷	کتاب مصباح اللغه (فیومی، ۱۴۱۴ق)	ج ۲، ص. ۵۲۰
۸	کتاب أساس البلاغه (زمخشری، ۱۹۷۹م)	ج ۱، ص. ۵۲۸
۹	کتاب الفائق (زمخشری، ۱۴۱۷ق)	ج ۳، ص. ۱۳۱
۱۰	کتاب لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴ق)	ج ۱۲، صص. ۵۰۶-۴۹۷
۱۱	کتاب المفردات (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴)	صص. ۶۹۳-۶۹۰

(تدوین توسط نویسندگان)

۲-۴. بررسی کاربردهای واژه

برای تعیین کاربردهای واژه مقاومت، بعد از مطالعه کتب لغت‌نامه، تلاش‌شده برای هر یک از مشتقات ریشه «ق و م»، معنای اصلی و مشترک آن استخراج شود. جدول زیر دربردارنده تعاریف و توضیحاتی است که از رهگذر بررسی داده‌های مرحله قبل بدست آمده‌اند.

جدول شماره (۲): کاربردهای ریشه «ق و م» در لغت‌نامه‌ها

مشتقات ریشه	کاربردهای اصلی واژه در لغت‌نامه‌ها
القوم	الرِّجَالُ دُونَ النِّسَاءِ. سُمُّوا بِذَلِكَ لِقِيَامِهِمْ بِالْعِظَائِمِ وَالْمُهَمَّاتِ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۱ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۲۰۱۶ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۶ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۲۷۵).
قام بقوم	انتصب و يكون قامَ بمعنى العزيمة (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص. ۴۳ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۱۳۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۶۱۴). قام على الأمر: دام و ثبت (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص. ۵۲۸).
قيام	قوام الأمر و ملاكهُ. القِيَامُ: العِمَاد. قيام للشيء هو المراعاة للشيء و الحفظ له (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۹ و فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۰ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۰).
القائمة	مقدار قِيَامِ الرجل (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۱ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۶).
المقام و المقامة	الموضع الذي تقيم به و زمانه (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۲ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۸).
قييم القوم	الذي يقوّمهم و يسوس أمرهم (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۲ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۲).
قائم	و كلُّ من ثبت على شيء و تمسك به فهو قائم عليه فلان قائم بكذا و كذا، إذا كان حافظاً له مستمسكاً به. ماء قائم: دائم (الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۱ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص. ۲۳۰).
القيوم	في صفة الله: القائم بتدبير أمر خلقه في إنشائهم و رزقهم و علمه بأمكنتهم. هو الحي القيوم: الدائم الباقي (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۳ و ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص. ۹۵۵ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص. ۱۳۴ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص. ۱۲).
القيامة	يومُ البعث، يومٌ يقوم فيه الخلقُ بين يديّ الحي القيوم. القِيَامَةُ أصلها ما يكون

مشتقات ریشه	کاربردهای اصلی واژه در لغت‌نامه‌ها
	من الإنسان من القيام دُفْعَةً واحدة، أدخل فيها الهاء تنبيها على وقوعها دُفْعَةً (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۱۹۴ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۹ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۱ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۶).
قوام	قِوَامُ الْجِسْمِ تَمَامُهُ. قِوَامُ كُلِّ شَيْءٍ مَا اسْتَقَامَ بِهِ. وَ قِوَامُ الْأَمْرِ بِالْكَسْرِ: نِظَامُهُ وَ عِمَادُهُ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۳ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۴ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۲۰۱۷).
القَوَامُ	الْعَدْلُ وَ الْإِعْتِدَالُ (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۰ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۲۰۱۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۹).
القيمة	الْثَمَنُ يَلْذِي يُقَاوَمُ بِهِ الْمَتَاعُ (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۵۲۰ و فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۳۳ و الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۶۹ و زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۱۸۵ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۰).
الاستقامة	اعتدال الشيء و استواؤه (الازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص. ۲۷۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۸ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۲۰۱۷ و ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص. ۱۱۲).
أَقَامَ	أَقَامَ الشَّيْءُ، أَيْ أَدَامَهُ. أَقَامَ الرَّجُلُ الشَّرْعَ أَظْهَرَهُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ أَدَامَ فِعْلَهَا. إِقَامَةُ الشَّيْءِ: تَوْفِيَةُ حَقِّهِ (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۲۰۱۷ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۴۹۸ و راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۲).
تقويم	قَوْمَتُهُ تَقْوِيمًا فَتَقْوَمَ بِمَعْنَى عَدَلْتُهُ فَتَعَدَّلَ (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۱۷۶۱ و فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۲۲۵).
قَاوَمَ	قَاوَمَهُ إِذَا قَامَ مَعَهُ لِيَقْضَى حَاجَتَهُ صَبَرَ عَلَيْهِ إِلَى أَنْ يَقْضِيَهَا (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص. ۵۰۴).

(تدوین توسط نویسندگان)

معانی ذکرشده، مفاهیم اساسی را به عنوان وجه مشترک معنای این اشتقاقیات ذکر می‌کنند که از جمله آنها عبارت اند از: «دوام و ثبات شیء»، «عدالت و عادلانه بودن»،

«محور بقاء بودن»، «فعلیت بخشی و فعلیت داشتن»، «نظام و ستون بودن». این معانی وجه مشترک و اصل معنایی واحدی دارند که در مرحله بعد به آن پرداخته می‌شود.

۳-۴. استخراج معنای جامع

از رهگذر تحلیل کاربردهای آمده در لغت‌نامه‌ها مشخص می‌شود که:

الف. در واژه «القوم» علت وجود ریشه «ق و م» بدین جهت است که مردان، امور مهم و اساسی جمع را اقامه می‌کنند و به سرانجام می‌رسانند. یعنی فعلیت بخشی امور توسط مردان ویژگی مهمی است که باعث می‌شود جمع مردان به قوم شناخته شوند.
ب. در معنای «قام یقوم» عزیمت بیان شده که لازمه معنای اراده برای تحقق فعلیت امور است.

پ. در کلمه «قیام»، معنای عماد و ستون بیان شده؛ چراکه ستون عامل برپایی و فعلیت یافتن شیء است. برای مثال ستون خیمه، عامل برپایی خیمه است. همچنین «قیوم القوم» به کسی گفته می‌شود که امور قوم به او قوام می‌یابد و بدون او قوم از هم می‌پاشد و فعلیت پیدا نمی‌کند.

ت. در کلمه «قائم» معنای فعلیت بخشی شیء قائم به «قائم الیه» واضح است، بنابراین به آن ستون نیز گفته شده است. از این جهت خدای متعال «القیوم» است که تکیه همه موجودات تنها به اوست.

ث. در معنای «قوام» نیز معنای تکیه کردن و فعلیت پیدا کردن منظور شده است.

ج. در سه کلمه «القوام»، «الاستقامه» و «تقویم» معنای عدالت و ویژگی معتدل بودن اشاره شده است. این معنای اعتدال، در حقیقت، لازمه معنای فعلیت یافتن صحیح یک شیء و یک امر است. چراکه اگر یک امر به طور صحیح، به فعلیت تام خود نزدیک شود، یعنی معتدل شده و خروج از حالت اعتدال، خروج از حالت فعلیت صحیح و تام است. در کلمه «أقام» نیز همین معنا منظور شده است و «إقامه» یعنی به اتمام رساندن حق آن شیء که همانا فعلیت یافتن آن شیء به نحوی است که معتدل صورت پذیرد.

بنابراین با توجه به تحلیل صورت گرفته و تجریدسازی معنای جامع از میان کاربردهای مختلف، می‌توان معنای اصلی و اساسی ریشه «ق و م» را این‌گونه بیان کرد: «ثبوت فعلیت شیء بر اساس عدالت». معنای جامع بیان شده، بر ثبوت فعلیت شیء دلالت

دارد. این شیء به معنای مادی و معنوی منظور است و هر دو را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین فرقی میان ثبوت در امور معنوی همچون یک گفتمان اجتماعی، تصمیم سیاسی، و هویت ملی یا یک امر مادی نیست و این معنای جامع در همه آنها جاری است. البته در این معنای جامع، ثبوت فعلیت شیء با شاخص عدالت و بر اساس نظام عادلانه به‌عنوان لازمه محوری آن منظور است. این معنای جامع زمانی که در قالب هیئت‌ها و اشتقاقات مختلف قرارگیرد، بروز واضح‌تری پیدا کرده و معنای اصیل خود را نمایان‌تر خواهد کرد.

۴-۴. بررسی واژگان مشابه

با عنایت به این پیش فرض که هیچ‌گاه دو واژه قرآنی معنایی دقیقاً یکسان نخواهند داشت و خداوند حکیم از دو واژه برای اراده یک معنای واحد استفاده نمی‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۵، ص. ۷۶)؛ در این مرحله باید حدود معنایی واژه‌های شناسایی شده از خانواده مقاومت، مورد بررسی گردد. بنابراین حتی درحالتی که دو واژه بر یک حقیقت خارجی واحد دلالت کنند، از منظر معنایی متفاوت بوده و تساوق صورت می‌گیرد. از آنجایی که در این مرحله، بررسی نسبت معنای واژگانی صورت می‌پذیرد که معنایی نزدیک به معنای جامع ریشه «ق و م» دارند، عمدتاً نسبت معنایی عموم و خصوص من وجه شکل می‌گیرد که در عین داشتن اشتراکات معنایی، تفاوت‌ها و افتراقات معنایی مشخصی نیز وجود دارد. تدقیق این مرزها، پژوهشگر را به فهم دقیق‌تر معنای جامع و اصل معنایی که در مرحله قبل استخراج شد، نزدیک می‌کند و می‌تواند معنای مورد نظر را تدقیق کند. با بررسی تبادر عرفی معنای ریشه «ق و م» و مشتقات آن، واژگانی که عمدتاً مرادف معنایی این مجموعه واژگانی تلقی می‌شوند و همچنین در قرآن کریم به‌کار رفته‌اند، احصاء شده و با نظر به اصل معنایی آنها، نسبت معنای این واژگان با معنای ریشه «ق و م» بررسی شده است. این واژگان عبارت‌اند از: «صبر، ثبات، استقرار، اصرار، لجاجت». ریشه این واژگان عبارت‌اند از: «صبر، قرر، ثبت، صرر، لجاج». در این قسمت، برای فهم اصل معنایی این واژگان و نسبت‌سنجی آنها، از معانی کشف و بیان‌شده توسط علامه مصطفوی بهره گرفته شده است.

اول. ریشه «ص ب ر»

ریشه «ص ب ر» در کاربردهای مختلفی در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است.

برای مثال در آیه شریفه ۲۲ سوره مبارکه رعد، اصل معنایی این واژه عبارت است از «ایستادگی بر شدائد با خودداری در مقابل شدائد» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص. ۲۲۱)، یعنی صبر، نحوه ایستادگی و پایداری است که با خودداری و خود نگه‌داشتن در مقابل ناملايمات همراه است. اصل معنایی این واژه با اصل معنایی ریشه «ق و م» تفاوت‌هایی دارد. «ق و م» و مشتقات آن، در جهت فعلیت داشتن و فعلیت‌بخشی به شیء معنا دارد، درحالی‌که جهت معنایی صبر، مدافعه و دفاع نسبت به مشکلات خارجی است. صبر در حقیقت معنایی خود، نحوه‌ای از خودداری را دارد اما حقیقت معنایی «ق و م» و مشتقات آن، حالت پیش‌روندگی و فعال‌بودن را نشان می‌دهد.

دوم. ریشه «ق ر ر»

با بررسی کاربردهای ریشه «ق ر ر»، اصل معنایی این واژه «آرامش مستمر و با ثبات» فهمیده می‌شود. معنای آرامش در حقیقت، اصلی‌ترین جزء و رکن معنایی این واژه است؛ یعنی هرگاه از واژگانی همچون قرار و استقرار استفاده می‌شود، اشاره به آرامشی دارد که البته ثابت بوده و به یک ثبات و حتی سکون رسیده باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص. ۲۵۹). اصل معنایی واژه «ق ر ر» همان‌طورکه پیداست، توضیح یک سبک از آرامش است، درحالی‌که این رکن معنایی در ریشه «ق و م» وجود ندارد و البته در جزء معنایی ثبات داشتن، اشتراکاتی میان این دو ریشه دیده می‌شود. بنابراین ریشه «ق و م» و مشتقات آن، تفاوت بنیادین و ماهوی با ریشه «قرر» دارد.

سوم. ریشه «ث ب ت»

واژگانی همچون ثبات و ثابت‌بودن بر چیزی، به عنوان مترادف با اشتقاقیات ریشه «ق و م» استعمال شده‌اند. برای مثال مولف کتاب مفردات الفاظ قرآن، «ثبات» را به معنای مقاومت معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۳۵۲). با بررسی کاربرد این واژه، معنای «قرار و باقی‌ماندن بر چیزی» به عنوان اصل معنایی این ریشه شناخته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، صص. ۸۷). برای مثال قرآن کریم خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا» (انفال / آیه ۴۵)، یعنی زمانی که با گروهی مواجه شدید، قرار و استقرار داشته باشید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۱۹۶). اگر چه در ریشه «ث ب ت» هم قرار و باقی‌ماندن بر چیزی مراد می‌شود، اما تفاوتی که این معنا با ریشه

«ق و م» دارد این است که توجه به فعلیت شیء و همچنین در راستای عدالت بودن شیء اساساً مراد نیست. بنابراین ریشه «ث ب ت» می‌تواند جزء معنایی ریشه «ق و م» بوده و تنها قسمتی از آن معنا را نمایان سازد.

چهارم. ریشه «ص ر ر»

ریشه «ص ر ر» در آیات مختلفی از قرآن کریم مورد استفاده شده است. برای مثال قرآن کریم پیرامون اصحاب شمال می‌فرماید: آنان بر گناه بزرگ اصرار داشتند (واقعه / آیه ۴۶). با توجه به کاربردهای این واژه، اصل واحد معنایی این ریشه، «ظهور ممتد شدت» است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص. ۲۷۳). برای مثال، زمانی که از واژه اصرار استفاده می‌شود، امتداد مصرانه و شدید بر یک مسئله مدنظر است که عمدتاً ویژگی خوبی محسوب نمی‌شود. معنای ریشه «ص ر ر» با ریشه «ق و م» در چند نکته متفاوت هستند. مهم‌ترین نکته این است که در معنای «ق و م»، اعتدال مطرح بوده و ثبوت فعلیت شیء در راستای عدالت مراد می‌شود. اما در اصل معنایی ریشه «ص ر ر»، شدت و امتداد بر شدت مطرح است که خروج از حالت اعتدال محسوب می‌شود. همچنین در ریشه «ص ر ر» ظهور اثر، مراد می‌شود نه فعلیت شیء که معنای متفاوتی تولید می‌کند.

پنجم. ریشه «ل ج ج»

در تبادل عرفی، گاهی مقاومت با لجاجت مترادف تلقی می‌شود و انسان مقاوم را انسان لجوج مراد می‌کنند. اصل معنایی ریشه «ل ج ج» عبارت است از «سرسختی و استمرار در انجام عملی که مخالف میل طرف مقابل است» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص. ۱۸۵). در قرآن کریم، لجاجت در معنای مذمومی به کار رفته؛ یعنی لجاجت در معنای سرسختی در انجام کاری که مخالف میل حق باشد، موردنظر است. برای مثال قرآن کریم در خصوص کافرانی می‌فرماید: آنها در طغیان و عصیان خود لجاجت می‌ورزند (ملک / آیه ۲۱)، درحالی‌که مقاومت و ریشه «ق و م» معنای مثبت و ممدوحی داشته و اشاره به یک فعل مطلوب دارد. همچنین در امتداد این تفاوت ریشه «ل ج ج» می‌توان به این نکته اشاره کرد که جهت کاربرد مشتقات واژه لجاجت صرفاً مقابله و سرسختی است، درحالی‌که مشتقات ریشه «ق و م» در جهت فعلیت شیء معنا می‌شود و لزوماً معنای سرسختی نداشته و گاهی مقاومت از بستر مدارا نیز می‌گذرد.

۴-۵. تدقیق اصل معنایی ریشه «ق و م»

در این مرحله برای شفافیت معنای مقاومت، به نسبت سنجی ریشه «ق و م» با سایر ریشه‌های مرتبط پرداخته شده است. از مجموع این مقایسه‌ها استفاده می‌شود که معنی ریشه «ق و م» از دو رکن «فعلیت یافتن» و «ثبوت این فعلیت» به صورت تامّ و عادلانه ساخته شده است. یعنی شیء یا امر موردنظر، با تحقق مشتقات «ق و م» به فعلیت و ثبوت آن به نحوه تامّ و عادلانه نزدیک می‌شود و در معنای این ریشه، خودداری و امساک آن شیء یا امر نیست. البته اگر در مسیر ثبوت فعلیت شیء، نیاز به امساک از عوامل مخالف و معاند وجود داشته باشد، ذیل معنای کلی ریشه «ق و م» قرار می‌گیرد؛ چراکه لازمه عقلی فعلیت یافتن یک شیء، گاهی مخالفت با موانع پیش روی آن است. بنابراین در مسیر تحقق ریشه «ق و م»، صبر یکی از لوازم و ضروریات است. همچنین با مقایسه واژگان دیگر، برداشت می‌شود که پس از ثبوت فعلیت یک شیء و عبور از موانع و اختلالات، آن فعلیت در آن شیء استقرار می‌یابد و نوعی ثبات در شیء قابل مشاهده است. برای مثال اگر در جامعه‌ای اقتصاد مقاومتی به‌طور کامل محقق شود، نتیجه حاصل از آن، ایجاد آرامش و ثبات در فضای اقتصادی و نظام‌های مرتبط با آن است. به عبارت دقیق‌تر، اصل معنایی ریشه «ث ب ت» از لوازم و جزء معنایی ریشه «ق و م» محسوب می‌شود. وقتی بیان می‌شود گروهی بر امری اصرار دارند، در واژه اصرار نوعی امتداد درخواست با بار منفی وجود دارد که آن گروه به دنبال تحقق مراد خود در هر صورت، تلاش ممتد و مصرّانه دارند. این معنای اصرار جهت نیل به هدف در معنای مقاومت نیز وجود دارد و ممکن است این واژه از این منظر، مترادف به نظر برسد. لکن نکته مهم این است که در ریشه «ق و م»، جهت تحقق فعلیت و جهت اصرار بر اساس حق و حقیقت است. در صورتی که در معنای ریشه «ص ر ر»، جهت معنایی خاصی مدنظر نیست و می‌تواند اصرار در جهت خوب یا بد جریان داشته باشد. همچنین ریشه «ل ج ج» که در جهت آن به سمت حق و عدالت شیء نبوده و در راستای مخالفت با حق است.

از مجموع این مقایسه این‌طور برداشت می‌شود که در معنای ریشه «ق و م»، منشأ حرکت بروز استعدادهای درونی و فعلیت یافتن شیء است که نتیجه آن رشد، تعالی و نمو آن امر است. به صورت کلی، در قرآن کریم از تلاش شیاطین در مقابل جبهه حق به

«لجاجت» و از تلاش جبهه حق در مقابله با عداوت شیطان که نتیجه آن بروز استعدادها و فعلیت تام عادلانه جبهه حق است، به «مقاومت» تعبیر شده است.

۴-۶. فهم اصل معنایی در آیات شریفه قرآن کریم

آیات متعددی در قرآن کریم یافت می‌شود که از مشتقات ریشه «ق و م» استفاده کرده باشند. بعد از احصاء کامل این آیات، پنج مورد از آنها که بتوانند از هیئت‌های متفاوت این کاربردها نمایندگی کنند، در این قسمت بررسی می‌شوند. برای صحت‌سنجی ترجمه‌ها نیز از کتاب «تفسیر واژگان قرآن کریم» (روحی و فیاض‌بخش، ۱۳۹۸) به‌عنوان منبع مکمل در کنار «تفسیر روشن» (مصطفوی، ۱۳۸۰) استفاده شده است.

مورد (۱). اقامه

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»: «همان کسانی که اگر در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند» (حج / آیه ۴۱).

«اقامه» یعنی انجام دادن فعل با حدود، شرایط و بدان‌گونه که باید باشد. بر این اساس اقامه دلالت بر انجام عمل دارد، آن هم به‌گونه‌ای که فعل را به فعلیت تام خود و بروز همه آثارش نزدیک کند و در آن ثابت شود. برای مثال در «اقامه نماز» معنا آن است که مکلف به حقیقت نماز نزدیک‌تر شود، و هرچه این امر بیشتر رخ دهد، به همان مقدار فعلیت حقیقت نماز اتفاق افتاده و می‌توان آثار آن را مشاهده کرد.

مورد (۲). استقامت

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»: «به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند» (فصلت / آیه ۳۰).

«استقامت» یعنی طلب قیام و اراده بر استمرار فعل تا ظهور کامل هدف. بنابراین مقاومت یعنی شرکت کردن در ثبوت فعلیت شیء و لازمه این معنی این است که شخص در راستای تحقق فعلیت شیء مجاهده کند. این تلاش برای حفظ و تقویت فعلیت شیء نیازمند استمداد جستن از منشأ قوام شیء است که به این عمل استقامت گفته می‌شود. طبق معنای آیه شریفه، کسانی که استقامت می‌ورزند همواره و در هر حالتی آن حقیقتی که به آن ایمان دارند را حفظ می‌کنند و آن را در بهترین صورت که همانا فعلیت عادلانه شیء است، برپا می‌دارند.

مورد (۳). قائم بودن

«أَقَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ»: «آیا آنکه بر همه نفوس و اعمالشان ناظر و مسلط است؛ ...؟» (رعد / آیه ۳۳).

«قائم بودن بر چیزی» به معنای احاطه و تسلط بر آن چیز است. یعنی آن چیز، قیامش به شیء قائم است. چراکه شیء قائم کمال فعلیت و معتدل‌ترین حالت شیء است و چون خدای متعال قائم مطلق می باشد و فعلیت نفوس به آن است؛ در این آیه شریفه از تسلط خدای متعال بر امور بندگان به قائم بودن تعبیر شده است.

مورد (۴). قیوم

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»: «الله که جز او هیچ معبودی نیست، زنده و هستی‌بخش همه چیز است» (بقره / آیه ۲۵۵).

«قیوم» اشاره به صفت مبالغه دارد که از ماده قیام است و معنای قیام در آن جاری است. در اینجا قیوم به معنای حفظ، تربیت و مراقبت خدای متعال بر همه موجودات است؛ که همه چیز را هستی بخشیده و از آن محافظت می‌کند. قیام به معنای ایستادن است و معمولاً میان ایستادن و تسلط بر امور، ملازمه است.

مورد (۵). تقویم

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»: «به‌راستی ما انسان را در معتدل‌ترین حالت خلق کردیم» (تین / آیه ۴).

«تقویم» مصدر ثلاثی مزید باب تفعیل از ریشه «ق و م» است. در اینجا به معنای این است که خدای متعال انسان را در بهترین استعداد و صلاحیت برای رسیدن به فعلیت تام و مراتب نهایی کمال خلق کرده است.

۴-۷. کشف اصل معنایی باب مفاعله

واژه «مقاومت»، مصدر باب «مفاعله» است که خود این هیئت دارای یک اصل معنایی بوده و در همه کاربردهای آن مشترک است. درباره معانی هیئات مفاعله دو مسلک وجود دارد.

مسلک اول. پیروان این دیدگاه قائل به تعدد معنا برای باب مفاعله هستند. با این

مبنا باید معانی مختلف باب مفاعله بررسی شود و معنایی که بنا بر کاربردها با ریشه «ق» و «م» قرابت بیشتری دارد، به عنوان معنای مختار انتخاب شود.

مسلك دوم. از دیدگاه این گروه می‌توان برای ابواب نیز معنای عام و جامعی در نظر گرفت که همه مصادیق کاربرد حقیقی آن را دربربگیرد.

در صورتی که بتوان معنای جامع و عامی را یافت، مسلك دوم ترجیح دارد. چراکه اصل، عدم اشتراک معنا است (جمالی، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۲). طبق مبانی مرحوم علامه مصطفوی و موارد استعمال ایشان از ابواب مختلف از جمله باب مفاعله، می‌توان ایشان را در مسلك دوم دانست که برای باب مفاعله نیز معنای جامع و اصل معنایی واحد قائل هستند (برای مثال ر.ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص. ۲۹۹؛ ج ۶، صص. ۹۵ و ۱۱۵؛ ج ۲، صص. ۶۴ و ۱۹۹؛ ج ۴، صص. ۲۸۵ و ۲۹۱؛ ج ۱۰، صص. ۱۵، ۲۵۶، ۲۹۱ و ۳۱۰)؛ بنابراین با توجه به این مبنا و با استمداد از کاربردهای مختلف علامه مصطفوی از باب مفاعله، معنای جامع و اصل معنایی باب مفاعله عبارت است از: «مشارکت مستمر». معانی دیگری که برای این باب ذکر شده، به همین وجه جامع بازگشته و می‌توان «مشارکت مستمر» را در آنها استفاده کرد (ر.ک: جمالی، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۰-۱۲۷).

۴-۸. کشف اصل معنایی واژه «مقاومت»

با توجه به اصل معنایی ریشه «ق و م» که در مرحله سوم استخراج شد و در مراحل چهارم و پنجم مورد تدقیق قرار گرفت و همچنین با توجه به استخراج اصل معنایی باب مفاعله که در مرحله ششم، بررسی شد؛ حال می‌توان معنای جامع و اصل معنایی واژه «مقاومت» را تبیین نمود. اصل معنایی ریشه «ق و م» عبارت است از: ثبوت فعلیت شیء بر اساس عدالت؛ و اصل معنایی هیئت و باب «مفاعله» عبارت است از: مشارکت مستمر. بنابراین معنای ریشه «ق و م» هنگامی که در قالب و هیئت مصدر باب مفاعله قرار می‌گیرد، معنای جدید و شاخص‌تری از ریشه خود پیدا کرده و نمود خاص‌تری پیدا می‌کند. با توجه به این مقدمات، اصل معنایی واژه مقاومت را می‌توان این‌گونه بیان کرد: مشارکت مستمر در راستای ثبوت فعلیت شیء بر اساس عدالت.

نتیجه‌گیری

بر اساس اصل معنایی واژه «مقاومت» دلالت‌هایی زیر قابل استنباط است: اول. مقاومت امری است در راستای تحقق فعلیت شیء اما نه فعلیتی آنی و موقتی، بلکه فعلیت ثبات‌یافته مدنظر است.

دوم. مقاومت از جنس حرکت و تلاش جهت تحقق فعلیت شیء است؛ پس امری مستمر و ممتد خواهد بود.

سوم. از این جهت که مقاومت در راستای فعلیت و تعالی شیء است و برای امور متعالی انسانی استعمال می‌شود، همواره مورد عداوت و تقابل شیاطین واقع شده و در قبال دشمن معنا می‌یابد. بنابراین می‌توان این‌گونه گفت که همواره مقاومت در مورد مقابله و دشمنی با مستکبران و شیاطین عالم شکل گرفته تا از آسیب و انحرافی که در مسیر کمال و فعلیت یافتن فرد و جامعه قابل تحقق است، جلوگیری کند.

چهارم. نتیجه این مقاومت بروز استعداد‌های ذاتی اشیاء و از بین بردن هر گونه مانع پیش‌روی شکوفایی آن است که این همان تحقق مسیر عدالت شیء و ظهور معتدل آن امر است.

پنجم. مقاومت در اساس معنایی فعال و رو به جلو داشته و انفعال در آن راهی ندارد.

با عنایت به مولفه‌های معنایی بالا می‌توان چنین اظهار داشت که: گفتمان مقاومت، گفتمانی فعال و سازنده برای فعلیت بخشیدن به خصائص و استعداد‌های ذاتی ملت‌های مسلمان بوده و یک مسیر حاشیه‌ای یا جایگزین تلقی نمی‌شود. گفتمان مقاومت، مسیر اصلی و اصولی حرکت جامعه مسلمان به سمت اهداف متعالی خواهد بود. چراکه ثمره مقاومت اجتماعی، فعلیت و تحقق تام همه کمالات ممکن برای آن ملت به صورت معتدل و متعادل است. به همین خاطر است که رهبر معظم انقلاب جریان مقاومت را مسیر اصلی جامعه مسلمین قلمداد کرده و معتقدند بدون وجود مقاومت و استقامت، نمی‌توان مسیر اجتماعی مسلمین را به نتیجه رساند. «اینکه ما می‌گوییم نیروهای مقاومت، جریان مقاومت، جبهه‌ی مقاومت، ... یعنی یک حقیقتی به نام اسلام در دوران معاصر سربلند کرده است ... که گریبان نظام سلطه را محکم می‌گیرد و برای آزادی و عدالت اقدام می‌کند؛ این به وجود آمده؛ آنها هر توانی که دارند، می‌خواهند در مقابل این به خرج بدهند که این را عقب برانند؛ اینجا است که ... هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶).

در این بیان، مقاومت به معنای قیام حقیقت اسلام مراد شده و جهت آن، آزادی و عدالت به عنوان دو ارزش مهم حیات معتدل است. همچنین این جریان در تقابل با نظام سلطه و دشمن معنا دارد، بنابراین تا زمانی که جامعه اسلامی در مسیر حق و حقیقت حرکت کرده، دشمن داخلی و بیرونی در پی انحراف آن از مسیر مستقیم بوده و مقاومت در این طریق الهی، وظیفه جامعه مسلمین است تا جامعه به کمال و فعلیت لایق خود برسد. اگر این معنای مقاومت به صورت مضاف در عرصه‌های مختلف اجتماعی مورد استفاده قرارگیرد، این اصل واحد معنایی در آنجا نیز جاری می‌شود. برای مثال، اقتصاد مقاومتی حرکتی اقتصادی است با تکیه به عناصر داخلی قوام‌بخش، جهت تحقق و فعلیت استعدادهای جامعه که در مقابل عداوت دشمن داخلی و خارجی معنا دارد.^۲ با فهم اصل معنایی واژه «مقاومت»، می‌توان در گام‌های بعدی بر اساس این مفهوم‌شناسی به استخراج نظریه قرآنی و بومی مقاومت یا بازخوانی نظریه مقاومت در اندیشه متفکران مسلمان اقدام کرد.

یادداشت‌ها

۱. این کتب از نظر علامه مصطفوی بدین ترتیب است:
اول. التهذیب برای اُبی منصور الازهری (۲۸۲-۳۷۰ه) و العین برای خلیل (۱۷۵ه)
دوم. معجم مقاییس اللغه برای ابن فارس (۳۹۵ه)
سوم. الجمهرة و الاشتقاق برای ابن دُرید (۲۲۳-۳۲۱ه)
چهارم. صحاح اللغه برای جوهری (۳۹۳ه) و مصباح اللغه برای فیومی (۵۷۷ه)
پنجم. أساس البلاغة و الفائق برای زمخشری (۵۸۳ه)
ششم. لسان العرب برای ابن منظور (۶۳۰-۷۱۱ه)
هفتم. المفردات برای راغب اصبهانی (۶۵ه)
۲. رهبر معظم انقلاب پیرامون اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند: «علاج تحریم فقط و فقط تکیه بر توانایی‌های ملی است. باید این توانایی‌ها را هر چه داریم نگه داریم، دنبال کشف توانایی‌های جدید باشیم - که قطعاً هم توانایی‌های ما زیاد است - و به آنها تکیه کنیم و آنها را احیا کنیم، جوان‌های خودمان را وارد میدان بکنیم و ارکان اقتصاد مقاومتی را - یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی - [دنبال کنیم.] ما» (بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۳۹۹/۰۵/۱۰).

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام: نظریه و الگو*. تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
- الزهري، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذيب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- بیگی، علیرضا و ندافان، مسعود (۱۴۰۰). «واکاوی تبیینی مفهوم مقاومت از منظر مقام معظم رهبری (دام‌زده)»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ۳(۵)، صص. ۲۰۳-۱۷۵.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۵). *معنی الفقیه. علم صرف با مبانی فقه‌های شیعه*. قم: انتشارات دارالفکر.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۷). *معنی الفقیه. علم صرف در مسیر اجتهاد*. قم: انتشارات دارالفکر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمزه‌ای، مهدیس؛ جانجانی، زهرا و حمزه‌ای، پردیس (۱۳۹۹). «طراحی الگوی مقاومت»، *نشریه مطالعات علوم قرآن*. ۳(۵)، صص. ۲۰۳-۱۷۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *کتاب المفردات*. تهران: مرتضوی.
- روحي، محمد و فیاض‌بخش، محمدتقی (۱۳۹۸). *تفسیر واژگان قرآن کریم برگرفته از تفاسیر مجمع البیان و المیزان*. تهران: انتشارات فردا.
- زاهدی تیر، اصغر (۱۳۹۸). *نظام مقاومت در قرآن با رویکرد اجتماعی*. (رساله دکتری). دانشگاه پیام نور استان قم، قابل‌بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک ش. bbe8693c711fa12b3482ebfde2446۵۹۷)
- زاهدی تیر، اصغر و امین ناجی، محمدهادی (۱۳۹۸). «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن کریم»، *نشریه علمی مطالعات تفسیری*. ۱۰(۳۸)، صص. ۲۳۶-۲۲۱.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق). *الفائق فی غریب الحدیث*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م). *أساس البلاغه*. بیروت: دار صادر.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان*. ۱۳۹۸/۰۹/۰۶.
- شیواپور، حامد (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل نظریه روح معنا در تفسیر آیات متشابه قرآن*. (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، قابل‌بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران

(ایرانداک ش. fb77a566d50440ca4a0aaeab81c6fd۸۱)

صالحی هفشجانی، محمدحسن؛ فراستی نیک، جابر و امین تاجی، محمدهادی (۱۳۹۶). «تحلیل و بررسی مبانی لغوی مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، نشریه آموزه‌های قرآنی. (۲۶)، صص. ۲۰۴-۱۸۳.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

عباسی مقدم، مصطفی؛ سازجینی، مرتضی و موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۸). «واکاوی نظریه اصل معنایی در معجم مقاییس اللغه ابن فارس و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم مصطفوی»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی. ۴(۱۳)، صص. ۱۰۰-۷۷.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فرزانه، حسین و حیدری، داوود (۱۳۹۷). «نظریه روح معنا؛ تقریرها و نقدها»، آموزه‌های فلسفه اسلامی. (۲۳)، صص. ۱۳۷-۱۱۳.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دارالهجره.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای»، دوفصلنامه دانش سیاسی. ۲(۳۰)، صص. ۵۶۶-۵۳۹.

